

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

علت ثواب محیر العقول گریه بر امام حسین علیه السلام
در کلام امام عصر علیه السلام.

سخنران:

دکتر وحید باقر پورکاشانی

أَلْحَمُّ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّشْرِكٌ



@MAHDISM_IR



@seratehaghi

بنین در مورد امام حسین در حقیقت می‌شه گفت خیلی محاسبات بهم می‌ریزه مثلا خوردن هر خاکی حرامه! حتی خاکه مرقد مطهر و قبر مطهر نبی اکرم خوردنش حرامه! در مورد امام حسین این که حرام نیست شفاء دردم هست یا در مورد زیارت حضرت عجیب تأکیداتی شده موارد مختلف ثواب‌هایی رو در نظر می‌گیری که آدم تعجب می‌کنه! چرا این‌قد ثواب؟! چرا اجر و پاداش، خب مگه ما چی کار مثلا می‌خوایم بکنیم بعدشم اون خانه‌ی خداست کعبه‌ای که از اول بنا شده ابراهیم تجدید بنا کرد با اسماعیل چنین جایگاهی مرکز نور الهی است خب این همه تأکیداتی در این خصوص عظمت بیت‌الله که تعبیر شده به بیت‌الله خانه‌ی خدا یعنی خداوند خانه نداره از باب اضافی تشریفاتی این‌قد این خانه ارزشمنده که خداوند به خودش نسبت داده بعد حالا اگه يك نفر امام حسین رو زیارت بکنه ثواب هزار زیارت حج یعنی خانه‌ی خدا حج و عمره رو در پرونده‌ی عملش می‌نویسه خب این يك بحث خیلی سنگینه. یا مثلا روایت‌هایی ما داریم که محدثین ما نقل کردن این روایت این‌قدر گسترده و زیاد و کثرت داره در مورد گریه‌ی بر امام حسین. از باب نمونه؛ خب روایات فراوانی در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه نقد شده کتاب معتبری مثلا از باب نمونه؛ اگر کسی چشمانش اشک بریزه چشمانش گریان شود به اندازه‌ی پر پشه‌ای تو روایت دیگه پر مگسی یعنی خیلی اندک.

فرمودن: اگر گناهانش به اندازهی کف‌های دریاها باشد اقیانوس و آب و دریا چه قدر! به همین اندازه عرض ادب به امام حسین داشته باشد خداوند تمام گناهان اون و می‌آموزه! و بلکه گناهان او تبدیل به حسنه می‌شه می‌آموزه پاک می‌شه گناهانشم تبدیل به حسنه می‌شه!

یا در روایت دیگه فرمودن: به اندازهی ریگ‌های بیابان گناهانش باشد، به اندازهی اشکی بر سید الشهداء ریخته بشه خداوند تمام گناهان این و می‌آموزه! خب این يك چیز عجيبه چرا؟ جهت چیه؟ این قدر عجيبه که حتی برای بعضی از علماء کسانی که مانوس بودن با معارف اهل بیت این مسأله يك مقداری قابل هضم نبوده چون عجيبه روایت‌هایی که در خصوص ثواب زیارت عرض ادب به هر تربیتی برای امام حسین خیلی عجيبه! از باب نمونه لازم می‌بینم یه نکته‌ای رو خب چون بحث در خصوص مهدویت هست مناسبت این حدیث هم هست ذکر بکنم کتابی العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان مال آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی چاپ جدیدش در نه جلد چاپ شده این جلد دوم که من آوردم. در این جلد صفحه‌ی ۵۴۶ تشریفی رو نقل می‌کنه از علامه سید بحر العلوم که حالا اینم دقیقاً از رو اون می‌خونم. از این کتاب آورده آن مرحوم وقتی به سامره می‌رفت در بین راه به این مسأله فکر می‌کرد که گریه‌ی بر حسین گناهان را می‌آموزه، ناگاه دید عربی سوار مقابلش رسید، سلام کرد و پرسید: جناب سید شما را متفکر می‌بینم در فکر می‌بینم چه خیال می‌کنید اگر مسأله‌ی علمیست صحبت بکنیم. شاید من هم بی ربط نباشم.

جناب سید بحر العلوم فرمودند: در این خصوص متفکرم که چگونه می‌شود حق تعالی این همه ثواب به زائرین و بکائین حضرت سید الشهداء بدهد که هر قدمی که زائر بر می‌دارد ثواب يك حج و يك عمره در نامه عملش نوشته می‌شود. ببینید یکی از روایت‌ها اینه از محل زندگی و وقتی حرکت می‌کنی به سمت کربلا می‌خوای بری هر قدمی که بر می‌داری در روایات هم هست که ثواب يك حج و يك عمره در پرونده‌ی عملت نوشته می‌نویسن! لذا مثلا بعضی‌ها گاهی اوقات سوال می‌کنن چرا اربعین طرف می‌یاد از ایران میره نجف از نجف میره کربلا! زائر پیاده‌ی امام حسین می‌خواد بشه. این می‌خواد سختی این مسیر رو تحمل بکنه که به اون اجر و ثواب اون توجه خاصی که بناست به اون بشه. از این روایت هم استفاده می‌شه که هر يك قدمی که بر می‌داری به سمت قبر سید الشهداء ثواب يك حج و يك عمره در نامه‌ی عملش نوشته می‌شه. و برای يك قطره‌ی اشک تمام گناهان صغیره و کبیره‌اش آمرزیده می‌شود جناب بحر العلوم فکر می‌کرده این چه طور.. این رو با اون عربی که سوار بر اسب بوده مطرح می‌کنه. آن سوار عرب می‌گه تعجب مکن من برای شما مثلی می‌آورم تا مشکل حل گردد. وقتی سلطانی در صحرا و بادیه در شکارگاه وارد خیمه‌ای شد؛ یه سلطانی بوده در شکارگاه در جنگل این اعوان و انصارش رو گم می‌کنه خب در يك نقطه‌ای بوده که موجودات درنده‌ای بودن خطر داشته به شب می‌خوره پناه می‌بره به یه خیمه‌ای چون غلامان از سلطان دور افتاده بودن؛ پس در آن سیاه چادر، پیرزال با پسری دید، زال یعنی سفید مو یعنی پیر زنی که پیری که سفید مو بوده با یه پسری داخل این خیمه بوده و در گوشه‌ی خیمه عَنزَة داشتن.

عَنْزَة یعنی بز شیرده کنار خیمه بود. یعنی بزی که از آن شیر دوشیده گذران می‌کردن آن‌ها بز را برای سلطان کشتن! یعنی تا دیدند این آقا، نمی‌شناختند سلطان‌ها دیدند این گرسنه‌ی بز رو ذبح کردن و کباب کردن دادن این آقا خورد و طعام حاضر کردند و بر چیز دیگری غیر از آن قدرت نداشتن یعنی تنها چیزی که داشتن که با اون می‌چرخوندن همین بز بود. سلطان را نمی‌شناختن و محض اکرام ضیف یعنی مهمان این عمل را کردن. سلطان شب آن جا ماند و روز بعد در سلام عام سلطان کیفیت خود را نقل نمود؛ فردا که شد در سلامت عام در قصر خودش در بین درباریان ماجرا را تعریف کرد که من در شکارگاه تشنه و گرسنه در بادیه‌ی خون خوار یعنی حیوانات وحشی بودن از غلمان دور افتادم تا آن که در شدت گرمی هوا به خیمه‌ی این پیرزال رفتم و مرا نمی‌شناختن مایملک این عجوزه و پسرش بزی بود که از شیر آن گذران می‌کردن بز را کشته برای من کباب نموده حاضر ساختند. الحال چه کنم؟ در عوض این‌ها چه بدهم؟ و چه کنم تا تلافی محبت این زن و پسرش بشه؟ یعنی هر چه که داشتند همین بز بود این بزم کباب کردن دادن به این آقا خورده حالا آمده به قصرش می‌گه می‌خوام جبران کنم چه کار بکنم جبران این لطف و مهمان‌نوازی این پیرزن و این پسر بشه. یکی گفت صد گوسفند به او بدهید، دیگری از وزراء گفت صد گوسفند و صد اشرفی بدهید، صد سکه‌ی طلا بدهید، دیگری گفت فلان مزرعه را به ایشان بدهید، سلطان فرمود؛ هر چه بدهم کم است. اگر سلطنت و تاج و تختم را بدهم آن وقت مکافات به مثل کردم. مکافات یعنی پاداش. یعنی چی؟ تمام

تمام زندگی این پیرزن و این جوون چی بود؟ همین بز بود! که شیرش رو می‌دوشیدن ماست می‌کردن کره ازش می‌گرفتن امرار معاششون رو می‌کردن همین روداشتن این برای ما انگار تمام مایملکش اومد ذبح کرد و داد. حالا اگه منم بنا باشه که به مثل اون‌ها عمل بکنم تمام مایملک یعنی سلطنت مو باید خرج این پیرزن و این جوان بکنم چون آن‌ها هرچه داشتند به من دادند من هم باید هر چه دارم به ایشان بدهم تا مکافات شود یعنی تا پاداش صورت بگیره متقابل باشه. علی الحال جناب بحر العلوم حضرت سیدالشهداء هر چه از مال و منال و اهل و عیال، پسر و برادر و دختر و خواهر سرو پیکر داشت در راه خدا داد پس اگر خدا به زائرین و باکین آن جناب آن‌همه اجر و ثواب بدهد نباید تعجب نمود این را فرمود و از نظر سید غائب شد. بینین نکته این‌جا خیلی نکته‌ی دقیقی خب این سؤالیه که بارها می‌پرسن. بینین امام حسین گاهی اوقات می‌گن از جان مهم‌تر چیه؟ جانش که داد، فرزندی داشت مثل علی اکبر، علی اصغر، برادری داشت مثل ابوالفضل العباس، تمام این‌ها... اصحابی داشت که نمونه تمام این‌ها رو در راه خدا داد یعنی چیزی باقی نداشت حالا خدا بخواد جبران بکنه باید چی کار بکنه برای امام حسین؟

شاید جان امام حسین برای خدا، خدا نیاز ندازه به هیچ چی، ولی خالصانه در راه خدا داد به طمع بهشتم نبوده‌ها برای خود خدا داد برای دین خدا داد برای هدایت داد خب آگه خدا بخواد جبران بکنه چیه؟ باید هستی را در خدمت امام حسین بزاره خب حالا می‌گی که امام حسین این کارو کرد، زائرین امام حسین باکین بر سیدالشهداء چرا؟ این‌جا روایات فراوانه می‌گه؛ گریه‌ی برای امام حسین زیارت امام حسین فضل و کرم بر امام حسینه ادب بر امام حسینه يك نفر که گریه برای امام حسین می‌کنه ادب می‌کنه دلش می‌سوزه برای این حقیقت کسی که زیارت سیدالشهداء می‌کنه ادب می‌کنه عرض ادب می‌کنه همین مقدار عرض ادب بر اون حقیقتی که هستی رو فدای خدا کرد و جاداره خدا هم هستی رو فدایی این بکنه همین مقدار عرض ادب برای چنین حقیقتی چنین اجرو پاداش بی‌شماری رو داره.

یعنی پس ارزش برای گریه نیست ارزش برای این که آقا بلند بشی مثلاً چندصد
کیلومتربری عراق نیست این که کار فیزیکیه ارزش به اینه که گریه رو برای
کی داری می کنی ادب و بر کی داری می کنی برای کسی می کنی که هستی شو
خرج خدا کرد حالا این قدر این دردانه هستی نزد خداوند جایگاه داره که آگه
يك نفر کوچکترین عرض ادبی بر ساحت این حقیقت بکنه خداوند متعال بی
حد و حصر اجر و پاداش بهش می ده ما گاهی اوقات می گیم که آقا تفکر در
مخلوقات خدا امام حسین که اولاً واجب نبود بره کربلا منقطع الی الله رفت
هستی شو خرج خداوند متعال کرد این موجودی که مختاره ملائکه اومدن لذا
می گه که؛ کنار قبر سیدالشهداء ملائکه ای هستند که شیون میزنن و گریه
می کنن شاعر خیلی قشنگ گفته می گه که؛ خدایا من عرش و فرش رابه رخ تو
نمی کشم که عرش داری فرش داری من عرش و فرش را به رخ تو نمی کشم این
بس ز صنع تو که حسین آفریده ای.